

طرح رفرااندوم و درخواستهای مردم!

رسول آرام



خیزش مردم به تمامی ارکان رژیم اسلامی آنچنان بود که او با وجود استفاده از تمامی ابزارهای سرکوبش؛ خود را در مقابله با موج خروشان و بنیان کن آنان بی دفاع دید. در این خیزش شور انگیز مردم به حریم ولایت هم یورش برده و خواسته های بحقشان را با اشکال مختلف بروز دادند.

بقیه در صفحه 3

دوره جدید " تک برگی راه کارگر "

از این شماره دوره جدید انتشار تکبرگی راه کارگر آغاز میشود . هدف اصلی انتشار این نشریه ، ارائه گلچینی از آخرین اسناد ، اعلامیه ها و موضعگیریهای سیاسی سازمان و فعالین آن است . سایت اینترنتی راه کارگر کماکان نقش یک روزنامه رایانه ای (آنلاین) را ایفا خواهد کرد ، اما از آنجا که رژیم اسلامی تلاش دارد از طریق فیلترینگ سایتهای مخالف جلوی دسترسی آزادانه مردم ایران به اخبار ، اطلاعات و تحلیلها و موضعگیریهای مخالف را بگیرد ، ضرورت پیدا می کند که از طریق انتشار یک نشریه کم حجم ، که هم به آسانی از طریق ایمیل قابل ارسال باشد و هم قابل چاپ و تکثیر و پخش ، این سد سانسور را درهم شکسته و در حد توان خود سهمی در اطلاع رسانی و روشنگری ایفا کنیم . همکاری و همیاری شما نقش به سزایی در پیشبرد این هدف خواهد داشت.

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

پیرامون جدایی بخشی از رفقای سازمان

در سی امین سالگرد تاسیس " راه کارگر " متأسفیم که به اطلاع عموم برسانیم که بخشی از اعضای سازمان ما تصمیم قطعی خود را برای جدایی و پایان دادن به وحدت سازمانی اعلام کرده و آنرا به مورد اجرا گذاشته اند . این جدایی ناشی از اختلاف نگرش در مناسبات مربوط به فعالیت جمعی سیاسی و چگونگی تنظیم رابطه گرایش های فکری متفاوت درون سازمان است . این اختلاف که خود را در موضوع ضوابط حاکم بر شیوه کار رسانه های سازمان نیز نشان میداد ، عواقب خود را در مناسبات اعضا با یکدیگر نیز بروز داد .
بقیه در صفحه 2

از سری مباحثات تدارکاتی کنگره 14

پیش نویس قطعنامه درباره
ضوابط حاکم بر رسانه های
سازمان ص 3

= با ما ارتباط بگیرید =

سایت راه کارگر www.rahekaregar.com

ایمیل سایت site@rahekaregar.com

روابط عمومی public@rahekaregar.com

رادیوبرابری www.radiobarabari.net

ایمیل رادیو info@radiobarabari.net

تلویزیون برابری

www.radiobarabari.org/tvbarabari.htm

تلفن : 66851310 - 40 - 49

پیام کمیته مرکزی سازمان به :

شرکت کنندگان در اعتصاب غذای زندانیان
سیاسی سابق در برلین و ونکوور و تحصن لندن

جریان مباحثات ما قرار گیرند و تنها پس از شفاف سازی اختلافات و در صورت ضرورت و بحث کافی امر جدایی را به مرحله اجرا درآورند. آخرین پیشنهاد ما تعویق این جدایی در شرایط برآمد اخیر اعتراضات توده ای در ایران و به منظور سازماندهی حمایت موثر و یکپارچه از جنبش داخل بود، که آن هم رد شد! از اینرو علیرغم نظر اکثریت کمیته مرکزی و دست کم نیمی از اعضای سازمان، این جدایی بر ما تحمیل شد.

ما ضمن مخالفت با این جدایی، آشکارا اعلام میکنیم که از دید ما هیچ یک از اختلافات موجود در سطحی نیست که مبانی مشترک برنامه ای و اساسنامه ای سازمان ما را خدشه دار کند. ما معتقدیم این حد از اختلاف و تفاوت در نگرش، که لازمه پویایی و طراوت فکری است، در چهارچوب یک سازمان انقلابی و آزادیخواه کمونیستی می گنجد. ما بر این باوریم که جدایی این بخش از پیکره سازمان، پراکندگی در صفوف جنبش سوسیالیستی را بیش از پیش دامن زده و به روحیه وحدت طلبی در طیف بزرگ هواداران آزادی، سوسیالیسم و خودحکومتی کارگران و زحمتکشان آسیب میرساند. از اینرو ما کماکان خواهان همکاری و مبارزه مشترک هستیم. ما در آینده اسناد و گزارش تفصیلی دیگر موضوعات مورد اختلاف و روند این جدایی را در اختیار عموم قرار خواهیم داد.

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

**کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی
ایران (راه کارگر)**

7 ژوئیه 2009 - 16 تیر 1388

• لازم به توضیح است که علیرغم آخرین درخواست کمیته مرکزی، رفقای خواهان جدایی - که مسئولیت فنی سایت را برعهده داشتند - بر خلاف اساسنامه از تحویل سایت رسمی سازمان به ما خودداری کردند، از اینرو به اجبار سایت اینترنتی جدیدی را ایجاد کرده ایم که آدرس های آن عبارتند از:

www.rahekaregar.com

www.rahekaregar.net

www.rahekaregar.org

**اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان کارگران
انقلابی ایران (راه کارگر)**

پیرامون جدایی بخشی از رفقای سازمان

تفاوت نگرش پیرامون مسایل فوق در جریان بحثهای مربوط به آنها بویژه در یکساله اخیر فضای درونی سازمان را تنش آلود و زمینه گفتگو را نامناسب کرده بود. در متن چنین وضعیتی در تاریخ 22 فروردین 1388 تعدادی از اعضای سازمان با انتشار یک نامه درونی، ضمن اعتراض به فضای موجود، خواهان مبارزه با آن شدند.

اکثریت اعضای کمیته مرکزی سازمان نیز به صفت فردی این نامه اعتراضی را امضا کرده بودند.

بعد از انتشار این نامه سرگشاده درونی، شمار دیگری از اعضای سازمان، به مضمون و روش جمع آوری امضا این نامه اعتراض کردند. آنها نشست های جداگانه خود را تحت عنوان مخالفان نامه سرگشاده برگزار کرده و خواستار آن شدند که:

موارد اتهام مندرج در نامه و نام متهمین اعلام شود. در این میان یکی از آن رفقا، که عضو

مرکزیت بود، از ادامه حضور در جلسات کمیته

مرکزی خودداری کرد. کمیته مرکزی در پاسخ به

اعتراض این رفقا از آنان خواست که در نشست منظم

مجمع عمومی و در بحث همگانی مسایل مورد

اختلاف بررسی شود. اما متأسفانه رفقای معترض از

پذیرش این پیشنهاد خودداری کرده و به تحریم

مرکزیت و جلسات عمومی آن ادامه دادند. ما همچنین

به این رفقا پیشنهاد کردیم که چنانچه دیگر به

صلاحیت کمیته مرکزی باور ندارند با فراخواندن

کنگره 14 سازمان و یا یک کنگره فوق العاده پیش

از موعد، ضمن بحث و تصمیم گیری پیرامون

اختلافاتمان، کمیته مرکزی جدیدی را با رای اکثریت

اعضای کنگره انتخاب کنیم. پیشنهاد دیگر کمیته

مرکزی به رفقای خواهان جدایی، به تعویق انداختن

آن به منظور بحث و تبادل نظر بیشتر برای شفاف

شدن موارد اختلاف و حداقل شکل گیری

پلتفرمهای روشن و مشخصی که با مراجعه به آن،

موارد اختلاف برای اعضاء سازمان روشن گردد. اما

متأسفانه این پیشنهادات نیز مورد پذیرش رفقا قرار

نگرفت. ما حتی پیشنهاد کردیم که برای حفظ وحدت

سازمانی به صورت دو فراکسیون تشکیلاتی مستقل

(اما زیر یک سقف) فعالیت کنیم، که این خواسته

هم از طرف آنان رد شد. کمیته مرکزی همچنین

خواستار آن بود که موارد اختلاف را برای یک دوره

به بحث علنی بگذاریم تا فعالین جنبش چپ نیز در

درباره ضوابط حاکم بر رسانه های سازمان

طرح فراندوم و درخواستهای مردم !

آنها نه تنها در شعار بلکه با به آتش کشانیدن عکس خامنه ای ؛ مخالفت با سیستم ولایت فقیه را آشکارا اعلام نمودند. مردم موفق شدند که همه توطئه های رژیم را که برای عقیم کردن اعتراضاتشان بکار بسته بود با شکست مواجه و چهره های جنایتکار بظاهر «معصوم» رژیم را در ملع عام و نزد میلیونها نفر از مردم ایران و جهان به نمایش بگذارند. همه دیدند که این «معصومان» تا چه اندازه دستشان به خون مردم بی گناه آغشته و در خانه خرابی آنان در ظرف سی گذشته شرکت داشته اند. با پنبه شدن تمامی رشته های فشر تحکیم گرا؛ اصلاح طلبان نیز زیر ضرب درخواستهای مردم خود را نجیف تر از آن دیدند که درخواستهای آنان را در مصاحبات خود مطرح نمایند. آنان برای گریز از پاسخ گویی به درخواستهای واقعی مردم اجباران اقدام به طرح شعارها و درخواستهای نمودند که برخی از آنان کوچکترین نزدیکی با خواست واقعی و شعارهای مردم نداشت. از اینکه اصلاح طلبان دیگر «نمیخواهند» دست کم در سرکوب مردم شرکت کنند و ظاهران خود را در «صف مردم» مبینند؛ مورد انتقاد نیستند. اما از اینکه آنان از درخواستهای دمکراتیک مردم دفاع نکردند و همواره درخواستهای قانون غیر دمکراتیک جمهوری اسلامی را بجای درخواستهای مردم تبلیغ نمودند ؛ دیگر نمایندگی خود را از سوی مردم خود بخود از دست داده اند. مردم نمیتوانند از اعلام درخواستهای خود حذر کنند؛ شعار محاکمه جنایتکاران را مطرح نمایند؛ از خواست جدایی دین از دولت و آزادی های فردی و اجتماعی و قومی و جنسی و لغو شکنجه و اعدام دفاع نکنند . راستی اصلاح طلبان تا کجا به همین شعار های نیمبند خود پایبند میمانند ؟ این بحثی است که ما را به پاسخ مشخصی خواهد رساند. این پاسخ نه تنها با مراجعه به سوابق آنان بلکه از شکل طرح درخواستهایشان نشان از پایان ترازوی آزادی خواهی شان میدهد.. تاکید رهبران اصلاح طلب در درون حکومت اسلامی بر قوانین ولایت فقیه و پاسداری از آن چیزی را جز پایبندی آنان به ادامه سرکوبها با شیوه های متمدنانه تر نشان نمیدهد. خاتمی اعلام کرده با انجام یک فراندوم از مردم سنوال شود که آیا از رفتار کنونی دولت راضی میباشند یا نه و تاکید کرده که اگر مردم به وضعیت موجود رای مثبت دادند ما از مخالفت خود دست برخواهیم داشت!! برای اینکه متوجه معنی طرح فراندوم از سوی خاتمی شویم بهتر است نگاهی به پیام میرحسین موسوی به مردم بیاندازیم. او در بخشی از پیام خود به مردم اعلام کرده : «مسئولیت تاریخی ماست که به اعتراض خود ادامه دهیم و از تلاش برای استیفا حقوق مردم دست بر نداریم. مسئولیت دینی ماست که نگذاریم انقلاب و نظام به آنچه اسلام نمی پسندد استحاله بیاید. مسئولیت انقلابی ماست که اجازه ندهیم حاصل خون صدها هزار شهید به یک دولت امنیتی تنزل پیدا کند و مستهلک شود.» در نتیجه متوجه میشویم که طرح پیشنهاد فراندوم از سوی خاتمی و تاکید دیگر همکارانش ؛ در نهایت تغییر مهره های ولایت فقیه را به ارمغان خواهد آورد ؛ و قصدش به انحراف کشاندن درخواستهای دمکراتیک مردم است. معنی واقعی این طرح بر کناری احمدی نژاد از سمت ریاست جمهوری است. آنان اگر موفق شوند احمدی نژاد را از ریاست جمهوری خلع نمایند؛ دیگر چیزی نیست که باید تغییر یابد. اگر بسیار رادیکال به این خواست نگاه کنیم نهایتا خامنه ای نیز بر کنار خواهد شد و بجای وی شخص دیگری در مقام ولایت فقیه حکومت خواهد کرد . مبینیم که با تغییر مهر ها بسیار چیزها تغییر نخواهد کرد اساس آنچه ارتجاع مذهبیت باقی خواهد ماند و تنها یک حکومت نظامی جای خود را با یک حکومت تمام عیار مذهبی از نوع خمینی تعویض خواهد کرد. این آن آخرین سنگری خواهد بود که آنان برای پیروزی در آن ایستاده اند. آنان با طرح شعار فراندوم چراغ سبز بزرگی به ائمه اطهار نشان داده اند . همه میدانیم که اکثریت مردم تنها با خامنه ای و یا احمدی نژاد مشکل ندارند. آنان به همه نشان دادند که نه تنها از دولت بلکه از حکومت نیز بیزارند. جاری شدن خون در خیابانهای تهران و شهرستانها و نگاه ندا ها این ندا را داشت که مردم هرگز قادر نیستند به حکومتی تن در دهند که هزاران نفر از فرزندانشان را قتل عام کرده ؛ زنان را از جایگاه اجتماعیشان تنزل

سایت سازمان رسانه ایست که علاوه بر انتشار و توضیح مواضع عمومی سیاسی سازمان، بنا بر جهت گیری قطعنامه کنگره اول به عنوان تریبونی گسترده تر عمل میکند و باید همچنان دامنه خود را در درون جنبش بزرگ کارگری ، ضدسرمایه داری و برای کمونیسم بگستراند. برای آنکه جایگاه مطالبی که در سایت سازمان آورده میشوند بویژه در رابطه با مواضع عمومی سیاسی سازمان (توسط کنگره ها یا بوسیله کمیته مرکزی و فراندوم ها تعیین شده و می شوند) روشن باشد؛ تا از ابهامی که ممکن است با بکارگیری این سایت در خدمت رشد بحث و گفتگو و پخته شدن نظر میان همه مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم بوجود آید، تا حد ممکن جلوگیری شود. بخصوص که این ابهام با انتشار گفتگوهای رادیو و تلویزیون بیشتر هم می شود. برای آنکه علاوه بر انتشار نظرات مخالف اعضای سازمان، روال انتشار نظرات مخالفان و منتقدان سازمان هم معین باشد، به نحو زیر عمل می کنیم:

1- در سایت و نشریه اینترنتی عبارتی با این مضمون نوشته می شود که:

«مواضع عمومی سیاسی سازمان راه کارگر فقط در اسناد با امضای کنگره و یا کمیته مرکزی مطرح می شوند. نوشته های با امضای فردی و یا گفته های افراد در فایل های صوتی و یا تصویری برای سازمان تعهد آور نیستند.»

2- اسناد کنگره ها و بیانیه ها و اعلامیه های کمیته مرکزی به روال تا کنونی در محل خود در صدر سایت و نشریه منتشر می شوند.

3- ترتیب انتشار نوشته های با امضای فردی: الف- آن دسته مقالاتی که مخالف با میانی کلی برنامه سازمان نیستند، به ترتیب نوبت و با در نظر گرفتن الویتهای سیاسی روز به دنبال هم منتشر میشوند. ب- آن دسته مقالاتی که به نشریه و سایت می رسند و مخالف با میانی کلی برنامه سازمان هستند در ستون دیدگاه درج می شوند.

4- فایل های گفتگوهای رادیویی و تلویزیونی به روال تا کنونی با رعایت نوبت در کنار یکدیگر در یک مجموعه منتشر می شوند. در سایت رادیو و تلویزیون نیز آورده شود که نظرات افراد مورد گفتگو ، لزوما بیانگر نظرات رسمی سازمان ما نیست .

کمیسیون تدوین پیش نویس قطعنامه

شرکت کنندگان در اعتصاب غذای زندانیان سیاسی سابق در برلین و نکوور و تحسن لندن

علاج فاجعه قبل از وقوع باید کرد !

رفقا و دوستان!

جمهوری اسلامی هیچ گاه چنین زیر فشار سهمگین جنبش وسیع مردمی و افکار عمومی جهانیان قرار نداشته است و این همه حاصل رشادت ها و از خود گذشتگی مردمی است که مصممند نقطه پایانی بر سی سال حکومت جنایت و بیعدالتی بگذارند. مردم تاوان این خیزش بلند را با سرکوب ، زندان ، شکنجه و کشته های تاکنونی خود داده اند. فرا تر از آن همانگونه که خود آگاهید و در فراخوان خود نیز آورده اید، هیولای زخم خورده جمهوری اسلامی با به گروگان گرفتن دستگیرشدگان اخیر مترصد فرجه ایست برای انتقام گیری و ایجاد فضای رعب و وحشت با تکرار جنایت هولناک کشتار زندانیان سیاسی در دهه سیاه شصت.

اما تجربه خونبار دهه شصت که اغلب شما از جان بدر بردگان آنید و هشیاری حاصل از آن می تواند با بسیج وسیع و فعال افکار عمومی چه در داخل ایران و چه خارج با اهرم های مؤثری که در اختیار دارد فاطمانه جلو چنین فاجعه ای را بگیرد. هیولای جمهوری اسلامی فقط در خفا می تواند چنین جنایاتی را سازمان دهد. آگاهی و فشار همه جانبه افکار عمومی ایران و جهان میتواند مانعی جدی در مقابل ددمنشی این رژیم جنایتکار و عواقب آن بوجود آورد.

اقدام مسئولانه و به موقع شما در کنار مجموعه اقدامات انسان های آزادیخواه در سراسر جهان گام مؤثری است در مهار این هیولای زخم خورده .

سازمان ما صمیمانه در این مسیر با همه توان خود در کنار شما ست و همگان را در هر کجا که باشند به همکاری و همدلی با این حرکت دعوت کرده، برای این اقدام شما آرزوی پیروزی می کند که در گام نخست عبارت است از: آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و انحلال نهاد های سرکوب نهان و آشکار رژیم.

دستان را به گرمی می فشاریم.

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم

مرگ بر جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

داده ؛ دین را مبنای تعیین دولت قرار داده ؛ حقوق شهروندی را تحقیر نموده و میلیاردها ثروت ملی را به غارت برده و اکنون نیز هزاران نفر را با اتهامات واهی توطئه علیه امنیت کشور در زندانها نگاه داشته است. برآستی که درست است که گفته شده فاشیسم یک ایده نیست بلکه جنایت است! تاکنون رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی خود را با لعاب مردمی آراسته بود و هر که را که کشت یا به گردن نگرفت یا آنها را محارب با خدا و یا عاملان توزیع مواد مخدر در ایران معرفی کرد. اکنون دیگر این لعاب با خون مردم بی گناه کوچه و خیابان از چهره وی زدوده شده . مردم میدانند که که برای مبارزه با فاشیسم طرح اصلاحات رژیم تسمخر آمیز است! کسانی که خواهان تغییرات در رژیم اسلامی هستند باید به این واقف باشند که تنها راه اصلاح رژیم اسلامی سرنگونی آن است . مبارزه با فاشیسم جمهوری اسلامی مستلزم دانستن واقعیت های عینی مذهبی و اجتماعی بخشا و امانده در افسانقاپ ایران است. این واقعیت ها ما را متوجه میسازد که در مسیر مبارزه با فاشیسم جمهوری اسلامی با دشواریهای متعددی رو در رو خواهیم بود. برای عبور از این دشواریها نیاز به تئوری های بنسدت مترقی و دموکراتیک داریم که این از حیطة نیروهای دافی «اصلاحات» بنسدت دور است. مبارزه با فاشیسم و آن هم از نوع جمهوری اسلامی نیاز به یک موضع گیری صریح و رو راست دارد. فاشیسم خود را جز ایزوله نمیکند ؛ بلکه در بافت فرهنگی و اجتماعی ایران بر موج ها سوار خواهد شد. از یک سو خود را در بخشهایی از اقلیت مذهبی مخفی میکند و از سوی دیگر فریادهای آزادی خواهی همین اقلیت را با توسل به فشار اقلیت دیگر اجتماعی سرکوب و آن دیگری را بر علیه آن قشر دیگر تحریک مینماید. با نگاهی گذرا به وقایع و عکس العمل های نیروهای درگیر در کودتای 22 خرداد امسال متوجه خواهیم شد که نیروهای میانه و نزدیک به رژیم با وجود تردیدهای متفاوت هیچگاه نیز وسوسه ساختار شکنی هم از خود نشان ندادند. در حالی که مردم عکس خامنه ای را در آتش خشم سوزاندند؛ رهبران اصلاح طلب در میان جمعیت حاضر شده و آنان را به رعایت انصاف و احترام به قانون اساسی فراخواندند. اما برای اینکه اهداف ضد اقتدار گرایانه اصلاح طلبان را ردیابی کنیم ؛ بهتر است نگاهی بسیار سطحی به اقتصاد هم ریخته و پر از بحران جهان بیاندازیم. این در هم ریختگی تأثیرات مستقیم خود را در وضعیت معیشتی مردم بنسدت نشان میدهد. میزان بیکاری خصوصا در کشورهای پیشرفته ایران که از نظر سطح تولید توان مقابله با کشورهای پشرفته صنعتی را ندارند؛ سیر صعودی میبمایند. میزان ساعات کار یا کاهش یافته و در مقابل سطوح پرداخت حقوق نیز بنسدت افت کرده و یا افزایش یافته و تواما تورم خانمانبرانداز همچون هواری بر دستمزدها سنگینی میکند. ادامه وضعیت موجود خواه ناخواه موجب دامن زدن به اعتراضات گسترده ای خواهد شد که از پتانسیل بسیار بالای رادیکالیسم تواما با خصومت همراه خواهد شد. میبینیم که غالب کشورهای سرمایه داری که تقریباً از بافت های نیم بند دموکراسی برخوردار هستند؛ خود را برای سرکوب جریانات مساوی طلب آماده میکنند ؛ این آمادگی خصوصا در اشکال خشن آن مورد توجه دولتمردان این سیستم هاست. برای آنان آنچه مهم است غلبه و چیرگی بر چنین آشوبهائیست. در کشوری مثل ایران که یک دولت تو تالیتر حکومت میکند و تا کنون از شیوه های متعدد سرکوب برای پایان دادن به نارضایتی های مردمی استفاده نموده است ؛ قاعد تا این دولت قادر نخواهد بود با ادامه سرکوب های خشن و یا قتل عام ها و ترور شخصیت ها ؛ به زندگی انگلی خود ادامه دهد. تنها راه نجات رژیم اسلامی اقدام به انجام اصلاحاتی است که مد نظر اصلاح طلبان است. البته این اصلاحات دلخوش کننده مورد انزجار توده ها نیست؛ اما عمر رژیم اسلامی را بر خلاف خواست مردم طولانی تر خواهد کرد. از این روست که مدافعی طبقه کارگر اعلام میکنند هرگونه انتظاری از رژیم اسلامی بدون سرنگونی آن نه میتواند درخواستهای کارگران و زحمتکشان زندان و دیگر اقلیت ستمدیده را برآورده کند و نه درخواستهای دموکراتیک مردم را به ارمغان آورد. فاشیسم دولتی جمهوری اسلامی تنها آلت ناتیو چپ دموکرات را در مقابل خود دارد. زیرا که هرگونه دگرگونی در سیستم عقب مانده سرمایه داری ایران نیاز به اجرای درخواستهای واقعا دموکراتیک و ضد استبدادی خواهد داشت.